



به انگیزه برگزاری هفته بزرگداشت قوه قضاییه

# ز عشق تا به صبوری، هزار فرسنگ است!

آیا می توان امیدوار بود که روزی کشتی توفان زده قوه قضاییه به کرانه نجات برسد و به گونه ای عمل شود که مردم احساس بی طرفی و شفافیت داشته باشند؟

احمد بشیری

این روزها (این مطلب را، روز هفتم تیرماه می نویسم) به هرکدام از ساختمان های وابسته به قوه قضاییه، در سراسر تهران بزرگ، گذرکنی، پیش از آنکه با انبوه مردم سرگردان و خشمگین، در حیاط و راهروهای داخل ساختمان (به ویژه در مجتمع های قضایی و پشت در دادگاه ها)، روبرو شوی، تصاویر چاپی تمام رنگ (پوستر) به ابعاد تقریبی ۴۰×۵۰ سانتی متر مربع، دیدگان را نوازش می دهد که "فت و فراوان" بر بدنه در و دیوار چسبانده شده است. جنس کاغذ تصاویر، از نوع برقی بسیار خوب و کیفیت چاپ آن نیز مرغوب و بی نقص است.

برخی از این تصاویر، مزین است به عکس بزرگ رییس قوه قضاییه و جمله یی از گفته های ایشان: "احقاق حق، تأمین عدالت و آزادی های مشروع، همیشه باید مورد نظر محاکم قضایی و قضات محترم باشد" و در بخشی از تصویر نیز، نقشی نمادین از "ترازوی عدالت" دیده می شود و این تکمله: "به مناسبت هفته قوه قضاییه، یکم الی هفتم تیرماه" و سرانجام امضاء "روابط عمومی دادگستری کل استان تهران".

دمی چند، روبروی این تصاویر "باسمه بی" گرانها، می ایستی و چندبار سرتا پای هر تصویر و نوشته های متن آنها، مرور می کنی و بی اختیار،

در دل، یازیر لب می گویی: "که چی؟" در همین حال، از خودت می پرسی: - آیا از این تصاویر، به دادگستری های شهرستان های دیگر کشور هم، فرستاده شده است، یا اینکه آیا روابط عمومی دادگستری های دیگر نقاط کشور نیز، چنین تصاویری را چاپ و نشر کرده اند؟ با هر معلوماتی که از بهای کاغذ و چاپ و هزینه های دیگر داشته باشی، می توانی دریابی که تهیه و تدارک این تصاویر، ارزان تمام نشده است و سرانگشتی حساب می کنی که هزینه چاپ و نشر اینهمه تصاویر هفت رنگ، چقدر شده است و بعد، لابد، از نظرت می گذرد که "به مناسبت هفته قوه قضاییه ... و در راه "احقاق، تأمین عدالت و آزادی های مشروع... چاپ این تصاویر، با پول هنگفتی که صرف کار چاپ و توزیع شده است، برای مردم تشنه "عدالت و آزادی های مشروع" این کشور، چه سودی دارد و چه پیامی به ارمغان می آورد و این تصاویر خالی، از کارهای سازنده و مشکل گشای دستگاه قضاییه، چه اطلاعاتی به بینندگان تصاویر می دهد و از سوی "فرشته عدالت" برای کاستن از درد و رنج مردمی که هفته ها و ماه ها و سال ها، ناچارند که در هزارتوی ساختمان های دادگستری سراسر کشور، در هم بلولند و از پله های ساختمان ها، بالا و پایین بروند، چه نویدی در بردارد؟

داستان "هفته بزرگداشت قوه قضاییه"

سالیان مدید است که تکرار می شود و هر سال از سوی "روابط عمومی" های پرکار دادگستری های سراسر کشور، از همین هزینه های گزاف می شود و آنگاه، در تالارهای دربسته و با حضور خود کارگردانان دستگاه قضاییه، نشست هایی برگزار می گردد و سخنان امیدبخش و شادی آفرین بر زبان ها رانده می شود و همه آن سخنان یا بیشتر آنها نیز، با "به به" و "چه چه" شنوندگان ارجمند حاضر در تالار، مؤید و مسدد می گردد و "هفته بزرگداشت" باسلام و صلوات، به پایان می رسد، بی آنکه مردمی که در بیرون تالارهای سخنرانی، هزینه های هنگفت برگزاری "هفته بزرگداشت" را، از کیسه فقیرانه شان پرداخته اند، به درستی، بدانند یا بخوانند که در درون چهار دیواری آن تالارها، چه گذشته است. (معلوم شد که هیچ معلوم نشد!) اما در پایان هفته بزرگداشت، معمولاً، تغییر وضعی آرامش بخش، در اوضاع دستگاه قضاییه، پدیدار نمی گردد و همواره، "کاسه همان کاسه است و آتش، همان آتش!"

به راستی، اگر قرار نیست که در اوضاع دستگاه قضاییه، دگرگونی چشمگیری پدید آید، و یا تغییرات اجتماعی، آنقدر کند و دیرپا و گاه دست و پا شکسته و نارسا باشد که دردی از مردم درمان نکند و یا حکم "نوشداری پس از مرگ سهراب" را داشته باشد، اینهمه خرج تراشی و اتلاف بیت المال مسلمین" برای برگزاری آیین هایی از شمار "هفته

بزرگداشت یاد شده، چه معنایی خواهد داشت؟ وانگهی، ایکاش گردانندگان دستگاه قضاییه چندان به نیازمندی و چشم‌براهی مردم می‌اندیشیدند که به روابط عمومی‌های خودشان دستور می‌دادند در برابر همه هزینه‌های سرسام‌آوری که برای چاپ تصاویر آنچنانی می‌کنند، هرکدام از دادگستری‌های کشور، در کاغذی به اندازه یک کف دست، آماری چند سطر، از کارهای سودمندی که در سال منتهی به هفته بزرگداشت کرده‌اند، چاپ کنند و آن کاغذها را نیز، در کنار این تصاویر بزرگ و رنگارنگ، به دیوارها بچسبانند تا مردمی که آن نوشته‌ها را می‌خوانند، به مصداق "عیب می، جمله بگفتی، هنرش نیز بگویی"، بخوانند و بدانند که تحمل هزینه سنگین برگزاری هفته بزرگداشت، چندان بی‌فایده و ناسودمند هم نبوده است!

تحمل هزینه گران‌برگزاری هفته بزرگداشت، هرچند که همیشه درخور بحث و بررسی و خطاب و عتاب بوده است، اما اینگونه ریخت و پاش‌ها، در دو سال اخیر، اهمیت بیشتری دارد و دریغ است که در بوته اهمال و اجمال بماند.

سال گذشته، به نام علی (ع) مرد بزرگوار جهان اسلام، سال‌علی نامیده شد و امسال را، سال رفتار علوی نام داده‌اند و جا دارد که به این مناسبت، نکته‌یی را یادآور شویم:

در یکی از بخشنامه‌هایی که امام علی (ع) خطاب به فرمانداران خود صادر کرده‌اند می‌خوانیم: **ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذقوا عتی فضولکم و اقصدا و اقصدا المعانی و ایاکم و الاکتار فان اموال المسلمین لا تحتل الاضرار** (یا: اصدار) (۱)

(= نوک خامه‌ها تان را، نازک‌تر کنید، و سطرهای نامه‌تان را، به هم نزدیک کنید و از نوشتن کلمات اضافی (القاب تشریفاتی) برای من خودداری کنید و چکیده سخن را بنویسید. زنه‌ها! از پر نویسی بپرهیزید زیرا که دارایی مسلمین (بیت‌المال)، زیان (ریخت و پاش) را، بر نمی‌تابد) چند روز پیش، برای خواندن پرونده‌یی، به دفتر یکی از شعب دادگاه‌های عمومی، به مجتمع قضایی صادقیه رفته بودم.

مدیر دفتر دادگاه، که خانمی موقر و مؤدب است، بالباس کاملاً اسلامی، پشت میزش نشسته و سرگرم کار بود.

پرونده را، که بایگان، روی میز خانم مدیر گذاشته بود، دریافت کردم و به خواندن آن

پرداختم.

هوای اتاق بسیار گرم و توانفرسا بود و عرق، از تمام بدنم بیرون زد و بدتر از همه، سر و صورت‌م، چنان دچار عرق ریزی شد، که کلافه‌ام کرد و نمی‌دانستم که با دستمال، عرق سر و رویم را پاک‌کنم یا پرونده را بخوانم!

خانم مدیر، که متوجه کلافگی من گردید، با لحنی آرام و دلسوزانه گفت:

«بخشید، هوای اتاق من بسیار گرم است و می‌بینم که شما دچار زحمت شده‌اید» اگر ناراحت هستید، می‌توانید کت‌تان را در بیاورید و بانگشت، رخت‌آویزی را که در گوشه اتاق و اتفاقاً در کنار صندلی من، نهاده شده بود، نشانم داد.

برای نخستین بار، در تمام سال‌هایی که به دفتر یا شعب دادگاه‌ها مراجعه کرده‌ام، کت‌م را در آوردم و به رخت‌آویز آویختم و با آنکه این کار نیز، چندان آفاقه‌یی نداشت، با هر زحمتی بود، کارم را انجام دادم.

هنگامی که می‌خواستم از دفتر دادگاه بیرون بروم، به خانم مدیر، که صدالبته، حالی بهتر از من نداشت، گفتم خانم، من که کارم تمام شد و می‌روم، اما شما، با این گرمای جهنمی اتاقتان، چطور کار می‌کنید. بالحنی شرمگینانه پاسخ داد:

– "چه کار کنم آقا، باید بسازم، خانه خودم که نیست که یک فکری برایش بکنم ساختمان دولت است. این اتاق را، تازه ساخته‌اند ولی نمی‌دانم چرا، برایش درجه کولر نگذاشته‌اند. مدتی است نامه نوشته‌ام که اقلاً یک پنکه در اختیارم بگذارند، ولی کسی توجهی نکرده است." و با پوزخند، افزود: "رؤسا که اتاقتشان خنک است، از حال ما، چه خبر دارند؟"

به یاد این ضرب‌المثل فارسی افتادم که: "سیر، از گرسنه خبر ندارد و سواره، از پیاده" و از نظرم گذشت که دستگاه قضاییه، می‌تواند با پولی که برای چاپ فقط ده تا از آن تصاویر بزرگ رنگارنگ خرج کرده است، یک دستگاه پنکه بخرد و در اختیار این کارمند شریف و خدوم بگذارد تا بتواند بارنج و مرارت کمتر، کار کند و حوصله پاسخ دادن به ارباب رجوع را، داشته باشد!

اینک باز می‌گردیم به دنباله سخن گذشته:

در دوران مدیریت پیشین قوه قضاییه، که مردم، به مدت ده سال آزرگار، چشم به پایان آن دوخته بودند، البته همه چیز، از نظر گردانندگان دستگاه، در حد عالی و گاه متعالی بود و هیچ کسری و کوتاهی در کار دستگاه و کارگزارانش نبود

و شنیدیم (برعهده راوی) که از سپارش‌های مدیر دستگاه به زیردستانش، این بود، که به ویژه در آیین‌های برگزاری هفته بزرگداشت قوه قضاییه، کسی از کار بدستان، حق ندارد، درباره لنگی چرخ اداره دستگاه قضاییه، و مخصوصاً زاینباری اجراء قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب سخنی بر زبان براند و ناگزیر "مدینه فاضله" ساخته و پرداخته آن مدیریت، به مدت ده سال، با شکوفایی و تر و تازگی هرچه بیشتر، به حیات پربار خود ادامه داد.

خوش‌خیالی و گنده‌نمایی حضرات گردانندگان پیشین دستگاه قضاییه درباره قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و آثار شگفتی انگیز و سازنده آن، در بهسازی ساختار قوه قضاییه و تعمیم عدالت در سراسر کشور، به آنجا کشیده شد که رییس قوه قضاییه، مدعی گردید رییس جمهور کشور فرانسه، با دیدن یا شنیدن پیشرفت‌های قضایی ما، شایق و راغب گردیده است که الگوی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب را، در کشور خودش نیز اجرا کند. البته معلوم نگردید که این آقای رییس جمهور، از رییس سابق قوه قضاییه، درخواست کارشناس، راهنما، طراح و... نیز کرده بود یا نه؟!

این تبلیغات یا تبلیقات گردانندگان قوه

قضاییه، به صورتی روزافزون، پیش می‌رفت که در دستگاه قضاییه، مدیریت جدیدی بر روی کار آمد و مدیر دستگاه، در نخستین سخنانی که بر زبان راند، با صدایی رسا، که همگان شنیدند گفت:

"به رغم زحماتی که در دوران ده ساله گذشته، برای بهبود وضعیت قوه قضاییه کشیده شده است، اینک ما، وارث یک خرابه و ویرانه، در بخش مالی، اداری، قضایی و قوانین هستیم..." (۲) و تازه معلوم گردید که:

"چه آشوبی است در دریا!"

در پی سخنان رییس قوه قضاییه، رییس دادگستری استان تهران نیز، چنین گفت:

"من، به آیت الله هاشمی شاهرودی عرض کردم: وقتی زن و فرزندانم از بین رفتند، من گریه نکردم ولی برای دادگستری استان تهران، گریه کردم..."

و سخنان دیگری هم، گفته شد که هرکدم به جای خودش، پندآموز و جگرسوز است:

- "همه می‌گویند قوه قضاییه ضعیف است و احقاق حق نمی‌شود. دادگاه شلوغ است. قضات رسیدگی نمی‌کنند و مسایل دیگر که ممکن است گاه اتهاماتی بر دستگاه قضایی باشد و گاه ممکن است در برخی جاها، دست باشد مثل فساد اداری، مثل ارتشاء و..."

- .... "وضعیت برخی از مجتمع‌ها، به

گونه بی‌است که انسان خجالت می‌کشد بگوید این مجتمع قضایی است..."

- .... "در حال حاضر، آنچه جامعه از آن رنج می‌برد... مسأله اطاله دادرسی است..."

- .... "گاهی، یک انسان، اینقدر از پله‌های دادگستری، بالا و پایین می‌رود که می‌گوییم او، از "آله قدم" شده است"

اینها، "مشتی از خروار و نمونه بی‌ازبسیار" سخنان و درد دل‌هایی بود که در آن روز، که مدیریت دستگاه قضایی، دیگر شده بود و در شانزدهمین همایش سراسری قضات، گفته و پرده از رخسار "عروس تعریفی" مدیریت پیشین دستگاه برگرفته شد، "تابداند مسلم و گبر و یهود/ کاندران صندوق، جز لعنت نبود!"

باری، سخنان آن روزگردانندگان جدید قوه قضاییه، چندان امیدبخش و چنان دلگرم‌کننده بود که برای هیچ کس، حتی بدبین‌ترین‌ها، جای هیچ تردیدی نماند که دیری نخواهد پایید که به همت مردانه مدیریت تازه از راه رسیده، دستگاه قضاییه کشور، از این رو، به آن رو، خواهد شد و انتظار همگان، برای سروسامان گرفتن این سازمان عظیم و عزیز، به پایان خواهد رسید.

اما افسوس، با گذشت ایام و پس از دو سال، اینک دیده می‌شود که آنهمه سخنان دل‌سوزاننده و خیزش‌های امیدوارکننده، ثمری به بار نیاورده و مدیریت جدید قوه قضاییه، هرچند که "پیش درآمد" خوبی داشت و به راستی "خوش درخشید" ولی دیدیم که همه آن آرایش‌های کلامی، در مقام عمل، کاری از پیش نبرد و به راستی، "دولت مستعجل بود!"

در ماه‌های گذشته، بارها، از زبان رییس قوه قضاییه شنیدیم و خواندیم که ایشان، از اوضاع دستگاه قضاییه رضایت ندارند و همواره وعده آوردن "نظام قضایی مطلوب" می‌دهند ولی هرچه بیشتر گذشت، افق اصلاحات، در این دستگاه تاریک‌تر گردید و طبعاً، صدای رییس قوه قضاییه، در این زمینه، بلندتر شنیده شد. چندانکه به تازگی و در آستانه برگزاری هفته بزرگداشت قوه قضاییه، بر پیشانی جراید کشور، اینگونه عنوان‌ها، نقش بست: "آبراز نگرانی مجدد رییس قوه قضاییه از اطاله دادرسی و انباشته شدن پرونده‌های قضایی"

بهتر است اصل خبر را، با هم بخوانیم:

گروه سیاسی - رییس قوه قضاییه، دیروز در جلسه شورای رؤسای کل دادگستری‌های

استان‌های کشور گفت: شفاف کردن رسیدگی به پرونده‌های ملی - اجتماعی و حساس، از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است - به گزارش ایرنا، سید محمود هاشمی شاهرودی، با اشاره به این که وضع موجود در دستگاه قضایی، تا رسیدن به یک نظام قضایی توسعه یافته، فاصله زیادی دارد، گفت: باید در رسیدگی به پرونده‌های ملی و حساس، به گونه‌ای عمل شود که افراد جامعه، احساس بی‌طرفی و شفافیت در رسیدگی داشته باشند.

وی، بر لزوم احترام به طرفین دعوا، در جریان رسیدگی به پرونده‌های قضایی تأکید کرد و گفت: رعایت دقیق موازین شرعی و دادرسی، باید به گونه‌ای باشد که جز در موارد استثنایی و امنیتی، رسیدگی قابل‌ارایه و اطلاع‌رسانی شفاف باشد.

هاشمی شاهرودی، با ابراز نگرانی از اطاله دادرسی و انباشته شدن پرونده‌های قضایی در دادگاه‌ها گفت: چرا باید این قدر ارجاع‌های انبوه و پردرسر وجود داشته باشد و مردم، از آن رنج ببرند؟

رییس قوه قضاییه "احترام و شخصیت دادن به افراد در دادگاه‌ها را، یک اصل خواند و گفت: اگر قضات، با ارباب رجوع، برخورد منصفانه داشته باشند و به آنان احترام بگذارند، مردم نیز، به دستگاه قضایی، دید مثبت و اطمینان‌بخشی پیدامی‌کنند.

هاشمی شاهرودی "جهت‌گیری اصلاحات در دستگاه قضایی" را، "توسعه قضایی" قلمداد کرد و گفت: "توسعه قضایی، رسیدن به نظامی است که بتواند در دستگاه قضایی، عدالت را تأمین، حقوق مظلومان را احقاق و داد ستمدیدگان را، از ظالمان بیستاند و به فرموده امام‌راحل، ملجاء و پناه‌گاه مظلومان باشد.

رییس قوه قضاییه، از دستگاه‌های اطلاع‌رسانی، از جمله صدا و سیما، مطبوعات و دیگر نشریات و رسانه‌ها خواست، با آشنا کردن مردم به قوانین حقوقی و دادرسی، در کاهش اطاله دادرسی و کوتاه کردن فرایند آن مؤثر باشند. (۳)

صاحب این قلم که نه سرپیان و نه ته‌چغندر است و به جز همین قلم‌زنی گهگاهی، هنری ندارد و با این بضاعت مزجات، به حکم شرایط زمانه، شهروند درجه دو به شمار می‌آید و به همین علت هم، طبعاً، به آسانی نمی‌تواند به حریم رییس قوه

قضاییه راه یابد و یا راه یافتنش، به آسانی میسر نخواهد شد، همواره، دلش می خواسته است و می خواهد که اگر روزی، با رییس قوه قضاییه روبرو شود، از ایشان بپرسد:

آقا! شما از این دستگاه قضایی چه می خواهید و دستگاه قضاییه مطلوب شما چیست که اینهمه از آن دم می زنید ولی هر چه به جلو می شتابید، به مقصودتان نمی رسید؟

وانگهی، شما که در نخستین روزهای نشستن بر کرسی ریاست قوه قضاییه، از این دستگاه، به نام... یک خرابه و ویرانه در بخش مالی، اداری، قضایی و قوانین... یاد کردید، چرا به جای آبادگرداندن این ویرانه، راضی شدید که ویرانه تر شود و اگر دستگاه قضاییه، به علت ضعف فراوان ناشی از دوران مدیریت گذشته، نمی توانست یک گام به پیش بردارد، چرا اجازه دادید، از جایی که در آن ایستاده بود، چند گام به پس برود؟

سن و سال و آگاهی های گوناگون شما، به شما این امکان را می دهد که از سرگذشت دستگاه قضاییه کشور، از حال و مجال قضات پیشین این دستگاه و از قال و مقال آنان برای حفظ و حراست کیان و پایگاه این دستگاه، مطلع باشید یا بشوید، پس چرا نمی خواهید ره چنان بروید که رهروان رفتند؟

شما، بی گمان این را، نیک می دانید که گردانندگان گذشته دستگاه قضایی، اکثر قریب به تمام، انسان هایی پاکدل و پاک نظر و پاک رأی و به تعبیری از بلند پایگان کنونی دستگاه قضایی زهاد ریش تراشیده بودند و با همه وجودشان در برابر هر گونه ناروایی می ایستادند و به حاکمیت های زمان اجازه نمی دادند که به حریم مقدس دستگاه قضاییه دست درازی یا جسارت ورزند و یا افکار و خواست های خودشان را به دستگاه قضایی تحمیل کنند و تا آنها بودند، این دستگاه بزرگ، از سوانح دهر در امان بود و در راه تکامل خودش به پیش می راند.

"کواه عاشق صادق، در آستین باشد"، این سخنان رییس جمهوری ایران را بخوانید:

"... دستگاه قضایی رژیم گذشته، از قضات شریف، آزاده و فاضل و حقوقدانان برجسته ای برخوردار بوده است و دادگستری رژیم قبل، زیر بار تحمیلات شاه نرفت و شاه مجبور شد برای اعمال سیاست های خود، دادگاه نظامی تشکیل دهد..." (۴)

جا دارد پرسیده شود که اکنون که حاکمیت

سیاسی کشور نیز، با دستگاه قضاییه، همراه و همیار و همه اسباب و لوازم برای پیشرفت و بالندگی دستگاه آماده است، چه شده است که دستگاه قضاییه کشور، نمی تواند روی پای خودش بایستد و هر روز، از پایگاهی که باید داشته باشد، پایین و پایین تر، می لغزد و چه به جان این بیمار رسیده است که هیچ طبیبی پیدا نمی شود که درمانش کند و هر شربت سرکنگبین که می نوشد، در بدنش صفرا می افزاید و هر روغن بادام که از حلقومش سرازیر می شود، برایش خشکی مزاج پدید می آورد؟

آقای رییس قوه قضاییه! ما دوستان و موی سپیدان خانواده بزرگ قضاییه کشور، که در بیرون ایستاده ایم و اشک تحسرن زهر دو دیده بر گونه هایمان جاری می شود، چاره درد این بیمار نزار را، نیک در می یابیم و هر یک از ما، بارها

### باید پرسیده شود چه شد که دستگاه قضاییه کشور هر روز از پایگاهی که باید داشته باشد، پایین و پایین تر لغزیده می شود

و بارها، بی ریا و چشمداشت و به هر زبان که می شده است راه های درمانی خودمان را، گفته یا نوشته ایم، پس چه شده است که آه گرم ما، در آهن سرد معاونان، مشاوران و معاشران شما اثر نمی کند و همواره نقش خودشان را در آب می بینند و برنامه ریزی هایی می کنند و دست به کارهایی می زنند که نتیجه همه آنها، جز کشاندن دستگاه قضاییه به عقب، چیزی به بار نمی آورد و کار به آنجا می رسد که شخص شما، پس از دو سال که از تحویل گرفتن "خرابه و ویرانه" موصوف گذشته است، چنان سخن می گوید که شنونده بی گمان می شود که دستگاه قضایی امروز، نه تنها روی آبادانی ندیده است بلکه به ویرانگی دیروز خودش هم رشک می برد؟

ممکن است شما سخنان مرا نپسندید و بر طرز تفکر من خرده بگیرید. مرا باکی نیست و اگر غلط گفته یا اندیشیده باشم، همیشه برای پوزش خواهی از خطاهای خودم به پای ایستاده ام اما من، شما را به پای بساط انصاف فرا می خوانم و از شما درخواست می کنم لحظاتی، از مسندی که بر آن

تکیه زده آید، فرو آید و در صف مردم عادی که از جور روزگار، پایشان در پای بند دستگاه قضاییه گیر کرده است، قرار بگیرید و آنگاه انصاف بدهید که از آنچه با این گرفتار شدگان، شده است یا می شود خشنود و راضی خواهند بود؟

برای نمونه و گذرا، از بازداشت ها، قرار تأمین ها، دادرسی ها، رأی ها، رفتارها، و... در دستگاه قضاییه نام می بریم و می پرسیم آیا از چگونگی جریان این کارها، ایراد و اشکالی به نظرتان نمی رسد؟

آیا آن "احترام به طرفین دعوا در جریان رسیدگی به پرونده های قضایی" و اینکه "قضات با ارباب رجوع برخورد منصفانه داشته باشند و به آنان احترام بگذارند" که در سخنان خود شما آمده است و بیشتر نقل شد، واقعاً در دستگاه قضاییه مراعات می شود؟

آیا این اصول قانون اساسی کشورمان در دستگاه قضاییه درست و منصفانه اجرا می شود:

- حیثیت، جان، مال، مسکن و شغل اشخاص، از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را، نمی توان به صرف داشتن عقیده بی، مورد تعرض و مواخذه قرار داد

- نشریات و مطبوعات، در بیان مطالب آزارنده مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را، قانون معین می کند.

- احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را، نقض نکنند. هیچ کس را، نمی توان از شرکت در آنها، منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها، مجبور ساخت.

"هیچکس رانمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله، کتاباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می شود"

در گفتار، کردار و نوشتارشان، مراعات شأن و منزلت و وقار دستگاه را می‌کنند و جانب ادب را نگاه می‌دارند؟

در باره آداب سخنگویی، حتی با دشمنان، امام علی (ع)، در جایی فرموده است: **«أَنْتَى أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّابِينَ...»** (من نمی‌پسندم که شما، ناسزاگویی کنید... (۷)

نگاه من در این مورد، عجالتاً متوجه گفته‌ها و نوشته‌های صادره از جانب یکی از بلندپایگان فعلی دستگاه قضایی است که در محاورات و مکاتباتشان آنقدر مطالب و الفاظ و عبارات خارج از قاعده دیده می‌شود که اگر کسی طرف گوینده و یا نویسنده را نشناسد ولی سخنانش را بشنود و یا بخواند، به هیچ روی نمی‌تواند احتمال بدهد که چنین شخصی از مصادر بلندمرتبه دستگاه قضایی کشور است!

اگر بخواهم در این زمینه سخن را به درازا بکشانم، بی‌گمان **«... در معنی باز و سلسله سخن دراز است و گریبگویم، شرح آن بی‌حد شود»** این است که در این نقطه، گفتارم را به پایان می‌برم با این امید که روزی فرارسد که در دستگاه قضایی کشور، برای شنیدن سخنان به حق، و دستارانه، پیران سرسپید، که عمری را در خدمت این دستگاه عزیز گذرانیده و کوله بارها، از تجربت و مهارت‌های حقوقی و قضایی اندوخته‌اند، و دلشان، به هوای سربلندی و پیشرفت دستگاه قضایی کشور، می‌تپد، گوش شنوا و دل‌بیداری پیدا شود مگر همه خیرخواهان این دستگاه، دست یاری و همیاری به یکدیگر بدهند و کشتی توفان زده این سازمان بزرگ و گرانقدر را به کرانه نجات برسانند و کار به آنجا برسد که مردم، هنگامی که کارشان به دستگاه قضایی می‌افتد، با آنان، **«... به گونه بی‌عمل شود که افراد جامعه، احساس بی‌طرفی و شفافیت در رسیدگی داشته باشند»**.

ایدون یاد

---

بی‌نوشت‌ها:

- ۱- بحار الانوار ج ۱۳ بیروت ص ۱۰۵ حدیث ۶.
- ۲- روزنامه آفتاب امروز شماره ۶۱-۱۳۷۸/۸۱۰.
- ۳- روزنامه همبستگی- شماره ۱۹۱-۱۳۸۰/۲۲۴.
- ۴- روزنامه نوروز شماره ۶۷-۱۳۸۰/۴۷.
- ۵- اصل ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ قانون اساسی ج-۱۰۱.
- ۶- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مواد ۳۲ و ۳۳ و ۷۳ و ۱۱۲ و ۱۲۱ و ۱۲۸.
- ۷- نهج البلاغه خطبه ۱۹۷.

- شاکسی، حق دارد در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی، و دلایل خود را، اظهار نماید و نیز، از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد، پس از پرداخت هزینه، رونوشت بگیرد.

- احضار متهم، به وسیله احضار نامه به عمل می‌آید...

- جلب متهم، به استثناء موارد فوری، باید در روز به عمل آید.

- قاضی، نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر اینکه دلایل کافی، برای احضار یا جلب موجود باشد.

- متهم می‌تواند یک نفر وکیل به همراه خود

## یک پرسش می‌کنیم و جواب منصفانه می‌خواهیم: آیا مفاد قانون آیین دادرسی در مورد قرارهای بازداشت موقت، بی‌طرفانه اجرا می‌شود؟

داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم، یا اجرای قوانین لازم بداند، به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.

آیا در دادگاه‌های دستگاه قضایی، شخصیت همه اصحاب دعوی، به یک چشم نگریده می‌شود و احکام صادره از دادگاه‌ها، در موارد و مصادیق مشابه، به طور مساوی و بدون اعمال قدرت قانونی و تبعیض انشاء می‌شود؟

در این باره مخصوصاً اشاره می‌کنم به آراء صادره از دادگاه‌ها، درباره برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی وابسته به جناح‌های سیاسی مختلف کشور، نویسندگان و روزنامه نگاران و ...

سرانجام، با توجه به اینکه دستگاه قضایی کشور، همیشه پایگاه دانش، ادب، متانت و حسن برخورد با دیگران، چه در گفتار و چه در نوشتار بوده است، آیا کار بدستان کنونی دستگاه قضایی،

- در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیلی را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

- حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد

- اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او، در دادگاه صالح ثابت گردد.

- هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع، ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

- هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است (۵)

آیا این بخش از قانون آیین دادرسی کیفری در مورد قرار بازداشت اشخاصی که به نحوی از انحاء مورد تعقیب واقع می‌شوند، با دقت و بی‌طرفی، دادگاه‌های کشور مورد عمل قرار می‌گیرد؟!

- در موارد زیر، هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است: الف ...

د- در مواردی که آزاد بودن متهم، موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود...

- قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رییس حوزه قضایی محل یا معاون وی می‌رسد و قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان ظرف مدت ده روز می‌باشد. رسیدگی دادگاه تجدید نظر خارج از نوبت خواهد بود.

در هر صورت، ظرف مدت یک ماه باید وضعیت متهم روشن شود و چنانچه قاضی مربوطه، ادامه بازداشت موقت متهم را لازم بداند، به ترتیب یاد شده اقدام خواهد نمود.